دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی در حقوق و علوم اجتماعی
Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

# Penal Policy toward So-Called Honour Killings in Iran and Türkiye: From the In-Flagrante Adultery Exception to Aggravation of Punishment for Murder

Hamid Reza Kargar
Faculty Member, Department of Law, Faculty of Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.
kargar.hr@lu.ac.ir

**Article Info**

**Article type:**
Research Article

**Article history:**
Received:
**8 April 2026**
Accepted، Available online:
**23 August 2026**

***Keywords***:
in-flagrante adultery homicide;
so-called honour killing;
gender-related killing of women;
Article 630;
Turkish criminal law;
customary/traditional motive;
unjust provocation;
penal policy

**ABSTRACT**

So-called honour killings lie at the intersection of the right to life, gendered control, family authority, and the State's monopoly over punishment. Using legal analysis and functional comparison, this article examines the network of rules governing such killings in Iran and Türkiye. In Iranian law, Articles 301–303 of the Islamic Penal Code and Articles 612 and 630 of Book Five (Ta'zirat) affect the availability of qisas, claims concerning an exceptional legal status of the victim, the consequences of mistake, and discretionary punishment where qisas is not carried out. Turkish Penal Code No. 5237 (Türk Ceza Kanunu; TCK) treats homicide committed with a customary/traditional motive (töre saiki) as aggravated and, since 2022, aggravates any intentional killing committed against a woman; Article 29 on haksız tahrik (unjust provocation) nevertheless remains relevant in some cases. The study finds that in-flagrante adultery homicide, so-called honour killing, and gender-related killing of women are legally distinct concepts. Nevertheless, the licence-like wording of Article 630 and gaps in proportionate non-qisas punishment may reinforce lenient understandings of lethal violence rooted in sexual and familial control. Türkiye likewise shows that sentence aggravation alone is insufficient without constraining gender stereotypes in provocation doctrine, effectively implementing protective measures, and ensuring accountability for failures to protect. The article recommends repeal or fundamental redrafting of Article 630 and Article 302(e), stricter evidentiary limits on Article 303, aggravated ta'zir punishment for gender-related killings where qisas is unavailable, and a comprehensive preventive protection framework.

**Cite this article**. Kargar . Hamid Reza (2026) Penal Policy toward So-Called Honour Killings in Iran and Türkiye: From the In-Flagrante Adultery Exception to Aggravation of Punishment for Murder. **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**، 2(1).134-156

Publisher: Hamyar Jahed Publications.

CC BY NC

# سیاست کیفری در قبال قتل‌های موسوم به ناموسی در ایران و ترکیه؛ از استثنای قتل در فراش تا تشدید مجازات قتل

**حمیدرضا کارگر**

عضو هیئت علمی گروه حقوق ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه لرستان.خرم آباد. ایران .

kargar.hr@lu.ac.ir

**اطلاعات مقاله**

**نوع مقاله:**
**مقاله پژوهشی**

**تاریخ دریافت:**
۱٤۰۵/۰۱/۱۹

**تاریخ پذیرش و انتشار:**
۱٤۰۵/۰٦/۱

**کلیدواژه‌ها:**
قتل در فراش؛
قتل موسوم به ناموسی؛
قتل جنسیت‌محور زنان؛
ماده ٦۳۰؛
حقوق کیفری ترکیه؛
انگیزه عرفی/سنتی؛
تحریک ناعادلانه؛
سیاست کیفری

**چکیده**

قتل‌های موسوم به ناموسی در نقطه تلاقی حق حیات، کنترل جنسیتی، نظم خانوادگی و انحصار دولت بر اعمال کیفر قرار دارند. این پژوهش با روش حقوقی ـ تحلیلی و مقایسه کارکردی، شبکه قواعد مؤثر بر این قتل‌ها را در ایران و ترکیه بررسی می‌کند. در حقوق ایران، مواد ۳۰۱ تا ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی و مواد ٦۱۲ و ٦۳۰ کتاب پنجم تعزیرات بر امکان قصاص، ادعای وضعیت استثنایی مقتول، اثر اشتباه مرتکب و پاسخ تعزیری در موارد عدم قصاص اثر می‌گذارند. در حقوق ترکیه، قانون کیفری شماره ۵۲۳۷ (Türk Ceza Kanunu؛ TCK) قتل با انگیزه مبتنی بر عرف/سنت (töre saiki) و از سال ۲۰۲۲ هر قتل عمد علیه زن را از اشکال مشدد قتل می‌داند؛ در عین حال، ماده ۲۹ درباره haksız tahrik (تحریک ناعادلانه) همچنان در تحلیل برخی پرونده‌ها اهمیت دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد قتل در فراش، قتل موسوم به ناموسی و قتل جنسیت‌محور زنان مفاهیم مترادف نیستند. بااین‌حال، زبان مجوزمحور ماده ٦۳۰ و خلأ پاسخ تعزیری متناسب در برخی موارد عدم قصاص می‌تواند برداشت ارفاقی نسبت به خشونت مبتنی بر کنترل جنسی و خانوادگی را تقویت کند. تجربه ترکیه نیز نشان می‌دهد تشدید مجازات، بدون کنترل کلیشه‌های جنسیتی در اعمال نهاد تحریک، اجرای مؤثر تدابیر حمایتی و پاسخ‌گویی مقامات، کافی نیست. پژوهش حذف یا بازنویسی بنیادین ماده ٦۳۰ و بند «ث» ماده ۳۰۲، تحدید اثباتی ماده ۳۰۳، پیش‌بینی تعزیر مشدد در قتل‌های جنسیت‌محور فاقد قصاص و ایجاد نظام جامع حمایت پیشینی را پیشنهاد می‌کند.

**استناد دهی**:کارگر، حمیدرضا (۱٤۰۵). سیاست کیفری در قبال قتلهای موسوم به ناموسی در ایران و ترکیه؛ از استثنای قتل در فراش تا تشدید مجازات قتل،**دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**، ۲(۱)۱۵٦-۱۳٤.

**ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی**

CC BY NC

## مقدمه، مسئله و روش پژوهش

قتل‌هایی که مرتکبان آنها از ناموس، آبرو، غیرت، حیثیت خانوادگی یا کنترل رفتار جنسی و زناشویی قربانی سخن می‌گویند، صرفاً مجموعه‌ای از قتل‌های ناشی از خشم فردی نیستند. در بخش مهمی از این پرونده‌ها، خشونت در بستری رخ می‌دهد که در آن استقلال زن در انتخاب همسر، ادامه یا پایان رابطه، رفت‌وآمد، پوشش، روابط اجتماعی یا تصمیم جنسی، موضوع نظارت و اقتدار خانواده یا شریک عاطفی قرار گرفته است. کاربرد تعبیر قتل ناموسی نیز بی‌خطر نیست؛ زیرا ممکن است به‌طور ناخواسته ادعای مرتکب درباره وجود ناموس را در زبان حقوق بازتولید کند. از همین رو، پژوهش از تعبیر *قتل‌های موسوم به ناموسی* استفاده می‌کند تا روشن بماند که ناموس وصف مشروع‌کننده قتل نیست، بلکه توجیه ادعایی مرتکب یا زمینه اجتماعی خشونت است.

موضوع در حقوق ایران با یک پیچیدگی ویژه همراه است. ماده ۶۳۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با زبانی مجوزمحور مقرر می‌کند: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال هر دو را به قتل برساند و در صورت اکراه زن، فقط مرد را بکشد. بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز زانی و زانیه در حال زنا را، نسبت به شوهر زانیه و در غیر موارد اکراه و اضطرار، در زمره وضعیت‌هایی قرار می‌دهد که مرتکب به قصاص و دیه محکوم نمی‌شود. در مقابل، ماده ۳۰۳ اثبات این ادعا و اثر اعتقاد اشتباه مرتکب را تنظیم می‌کند. این شبکه قانونی فقط درباره وضعیت واقعی مشاهده زنا نیست؛ نحوه بیان آن می‌تواند در دادرسی‌های قتل خانوادگی، ادعاهای اشتباه، و تصور عمومی از نسبت غیرت و مسئولیت کیفری نیز اثر بگذارد.

بااین‌حال، تمرکز صرف بر ماده ۶۳۰ تصویر قتل‌های موسوم به ناموسی در ایران را ناقص می‌کند. بسیاری از این قتل‌ها توسط پدر، جد پدری، برادر یا اعضای دیگر خانواده و بر پایه سوءظن، تصمیم قربانی به ازدواج یا طلاق، خروج از خانه یا رابطه عاطفی ادعایی رخ می‌دهند. در قتل دختر به دست پدر یا جد پدری، ماده ۳۰۱ مانع قصاص است و مجازات تعزیری احتمالی در چارچوب ماده ۶۱۲ قرار می‌گیرد.

در موارد گذشت اولیای دم یا فقدان امکان قصاص نیز همین ماده ۶۱۲ با شروطی مانند اخلال در نظم یا بیم تجری اعمال می‌شود. بنابراین، سیاست کیفری ایران در برابر قتل‌های موسوم به ناموسی از یک حکم منفرد ساخته نشده، بلکه حاصل تعامل مقررات قتل در فراش، شرایط قصاص، اشتباه در مهدورالدم‌بودن، ساختار خانوادگی اولیای دم و مجازات تعزیری پس از سقوط قصاص است. حقوق ترکیه مسیر متفاوتی پیموده است، اما این مسیر را نباید به‌صورت ساده حذف ارفاق و تشدید کامل تصویر کرد.

قانون کیفری ترکیه شماره ۵۲۳۷ (Kanunu Ceza rküT؛ از این پس TCK) قتل عمد را در ماده ۸۱ تنظیم می‌کند و ماده ۸۲، قتل با انگیزه مبتنی بر عرف/سنت (saiki reöt؛ یعنی انگیزه ناشی از یک هنجار، رسم یا الزام جمعی ادعایی) را از اَشکال مشدد می‌داند. همچنین به موجب قانون شماره ۷٤۰٦ مصوب ۱۲ مه ۲۰۲۲، از ۲۷ مه همان سال قتل عمد علیه زن مستقل از انگیزه، در بند «ف» ماده ۸۲ مشدد شده است (No TCK. ۵۲۳۷ ,arts ۸۱–۸۲; No Kanun. ۷٤۰٦ ,art. ۲). در عین حال، ماده ۲۹ TCK نهاد tahrik zıhaks (تحریک ناعادلانه) را حفظ می‌کند. رویه دیوان عالی/تمییز ترکیه میان عرف/سنت و انگیزه شخصیِ ناموسی تمایز می‌گذارد و تمام قتل‌هایی را که در زبان اجتماعی «ناموسی» نامیده می‌شوند ذیل عرف/سنت قرار نمی‌دهد. همین تمایز، امکان بحث درباره اعمال ماده ۲۹ در برخی قتل‌های مبتنی بر کنترل جنسی را باقی گذاشته و به نقدهای جدی درباره نقش کلیشه‌های جنسیتی در تخفیف انجامیده است.

پرسش اصلی پژوهش آن است که حقوق ایران و ترکیه، وضعیت مرتبط با کنترل جنسی و حیثیت خانوادگی را چگونه در تعیین مسئولیت و مجازات قتل وارد می‌کنند و از تجربه ترکیه چه درس‌هایی، با رعایت تفاوت ساختار قصاص و تعزیر، برای اصلاح حقوق ایران قابل استخراج است. پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: ماهیت حقوقی ماده ٦۳۰ و رابطه آن با مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ چیست؟ قتل‌های ناموسی خارج از قلمرو ماده ٦۳۰ تحت چه مقرراتی قرار می‌گیرند؟ حقوق ترکیه میان انگیزه عرفی، انگیزه ناموسی، زن‌بودن قربانی و تحریک ناعادلانه چگونه تفکیک می‌کند؟ و سیاست اصلاحی ایران چگونه باید میان منع عدالت خصوصی، اصل قانونی‌بودن، حق حیات، تناسب و حمایت پیشینی تعادل برقرار کند؟

فرضیه پژوهش این است که قتل در فراش و قتل موسوم به ناموسی از نظر حقوقی مترادف نیستند، اما بقای حکم استثنایی قتل در فراش و ادبیات مجوزمحور آن، در کنار مجازات‌های محدودِ موارد عدم قصاص، ظرفیت تولید پیام ارفاقی نسبت به خشونت مبتنی بر کنترل جنسی را دارد. تجربه ترکیه نشان می‌دهد که انتقال از انگیزه ناموسی به کیفیت مشدد، به‌ویژه با اصلاح ۲۰۲۲ و تشدید قتل علیه زن، پیام تقنینی متفاوتی ایجاد می‌کند؛ ولی امکان اعمال تحریک ناعادلانه و ضعف حمایت پیشینی مانع از آن است که ترکیه الگویی بی‌نقص تلقی شود.

از حیث پیشینه، ادبیات فارسی قدیمی‌تر عمدتاً بر ماهیت فقهی و حقوقی قتل در فراش و ماده ٦۳۰ تمرکز کرده است (مهرپور، ۱۳۷۵؛ حبیب‌زاده، ۱۳۸۰؛ سرخوش و علیزاده، ۱۳۹٦) .در ادبیات جدیدتر، رایجیان اصلی، رحیمی‌نژاد و رزم‌آور بناب (۱٤۰۲) از منظر جرم‌شناسی فرهنگی بر ضرورت توجه سیاست جنایی تقنینی به زمینه‌های فرهنگی تأکید کرده‌اند و کرامتی و همکاران (۱٤۰٤) نیز قتل‌های ناموسی را در زمره چالش های حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان بررسی کرده‌اند.

در مقابل، ادبیات ترکیه طی سال‌های اخیر بیشتر به مرز تحریک ناعادلانه و ناموس، نحوه اعمال تحریک ناعادلانه، کلیشه‌های جنسیتی در تخفیف و مبنای اصلاح ۲۰۲۲ پرداخته است (Doğan, 2016; Ümit Atılgan, 2024; Kahraman, 2024; Kıdıl, 2025).خلأ مورد نظر این پژوهش، پیوندزدن این دو دسته ادبیات و مقایسه اثر حقوقی زمینه ناموسی در کل شبکه قواعد مسئولیت، قصاص/تعزیر، تخفیف، تشدید و حمایت پیشینی است؛ نه صرفاً مقایسه لفظی ماده ٦٣٠ ایران با یک ماده ازTCK . پژوهش با روش حقوقی ـ تحلیلی و مقایسه کارکردی انجام می‌شود. واحد مقایسه، شماره مواد یا تشابه لفظی نهادها نیست، بلکه اثر حقوقی زمینه ناموسی بر قتل است: آیا این زمینه به موجه‌سازی یا سقوط قصاص می‌انجامد، اشتباه مرتکب را مؤثر می‌سازد، موجب تخفیف ناشی از تحریک می‌شود یا برعکس، سبب تشدید مجازات می‌گردد؟ در حقوق ایران، مواد ۳۰۱ تا ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی، مواد ٦١٢ و ٦٣٠ کتاب پنجم تعزیرات، منابع فقه امامیه و آثار حقوقی بررسی شده‌اند. در حقوق ترکیه، مواد ۲۹، ٦٢، ۸۱ و ۸۲ TCK، قانون شماره ٧٤٠٦، قانون حمایتی شماره ٦٢٨٤، بخشنامه ٢/١٥٤ وزارت دادگستری، آرای دیوان تمییز و دادگاه قانون اساسی و پژوهش‌های حقوقی و اجتماعی ـ حقوقی تحلیل شده‌اند.

در بخش رویه ترکیه، انتخاب آرا هدفمند است و ادعای مرور جامع همه تصمیمات قضایی مطرح نمی‌شود. معیار ورود رأی، ارتباط مستقیم با تمایز عرف، سنت و ناموس، حیثیت جنسی، خانوادگی، تحریک ناعادلانه یا تکلیف دولت به حفاظت؛ جایگاه مرجع صادرکننده؛ اثر رأی در ادبیات حقوقی؛ و امکان راستی‌آزمایی عمومی بوده است. در این پژوهش، مقایسه بر مبنای کارکرد نهادها و آثار حقوقی آنها انجام می‌شود، نه بر این فرض که نهادهای حقوقی یا مبانی فقهی دو نظام با یکدیگر هم‌ارزند. قصاص در ایران با ساختار حق قصاص و تعزیر پس از عدم استیفا یا سقوط آن عمل می‌کند، در حالی که قتل در ترکیه جرم عمومی با مجازات حبس ابد یا حبس ابد مشدد است؛ ازاین‌رو، پژوهش مدعی معادل‌بودن مجازات‌ها یا انتقال مستقیم نهادهای ترکیه به ایران نیست. همچنین اصطلاح سیاست کیفری در عنوان، ناظر به پاسخ‌های کیفری و قواعد تعیین مسئولیت و مجازات است؛ تدابیر حمایتی پیشینی فقط از آن جهت بررسی می‌شوند که در خشونت مرگبار جنسیت‌محور، ارزیابی کیفیت پاسخ کیفری بدون سنجش تکلیف دولت به پیشگیری ناقص می‌ماند. نوآوری پژوهش در سه محور است. نخست، مطالعه از مقایسه تقنینی دو ماده فراتر می‌رود و شبکه کامل قواعد مؤثر بر قتل‌های ناموسی را در هر دو کشور بررسی می‌کند.

دوم، با تفکیک قتل در فراش، قتل با انگیزه عرفی، قتل مبتنی بر برداشت شخصی از ناموس و قتل جنسیت‌محور زنان. از خلط مفاهیمی جلوگیری می‌شود که آثار حقوقی متفاوت دارند. سوم، پیشنهاد تشدید در ایران با ساختار قصاص سازگار می‌شود و به جای پیشنهاد مبهم «کیفیت مشدد قتل عمد»، بر تعزیر مشدد در موارد عدم قصاص، محدودسازی ارفاق‌ها، اصلاح ماده ۳۰۳ و ایجاد نظام حمایت پیشینی تمرکز می‌کند.

## ۲. چارچوب مفهومی و معیار مقایسه

### ۲ ـ ۱. قتل در فراش، قتل موسوم به ناموسی و قتل جنسیت‌محور زنان

قتل در فراش در معنای خاص حقوق ایران، قتل همسر یا مرد اجنبی در همان لحظه‌ای است که شوهر شخصاً وقوع زنا را مشاهده می‌کند. این مفهوم به رابطه زوجیت، مشاهده مستقیم، تحقق زنا، هم‌زمانی واکنش و علم شوهر به رضایت زن وابسته است. در نتیجه، پیامک، تصویر، شایعه، اعتراف بعدی، مشاهده رابطه عاطفی، بوسیدن، خلوت یا خروج زن از منزل، هرچند ممکن است عناوین حقوقی دیگری داشته باشند، قتل در فراش موضوع ماده ٦٣٠ نیستند. همچنین پدر، برادر، همسر سابق و دیگر بستگان نمی‌توانند به این ماده استناد کنند. قتل موسوم به ناموسی مفهومی اجتماعی ـ جرم‌شناختی و گسترده‌تر است. عنصر مشترک آن، ادعای حفظ یا بازگرداندن حیثیت فرد یا خانواده از طریق کنترل و مجازات رفتار قربانی است. این رفتار ممکن است ازدواج برخلاف خواست خانواده، درخواست طلاق، فرار از خشونت، رابطه عاطفی واقعی یا ادعایی، بارداری، خشونت جنسی علیه خود قربانی، یا صرف شایعه باشد. گاه تصمیم قتل جمعی است و مرتکب مستقیم به تشویق، فرمان یا فشار خانواده اقدام می‌کند؛ گاه نیز مرتکب بر پایه برداشت شخصی خود از وفاداری و ناموس عمل می‌کند. این دو صورت از نظر اثبات انگیزه عرفی و مسئولیت مشارکت‌کنندگان یکسان نیستند.

*قتل جنسیت‌محور زنان* مفهومی تحلیلی است که بر نقش جنسیت، روابط قدرت، کنترل، سابقه خشونت و موقعیت قربانی در وقوع قتل تأکید دارد. هر قتل زن، به صرف زن‌بودن قربانی، الزاماً در معنای جرم‌شناختی زن‌کشی نیست؛ ممکن است زن در نزاعی کاملاً بی‌ارتباط با جنسیت کشته شود. برعکس، برخی قتل‌های جنسیت‌محور ممکن است با واژه ناموس توجیه نشوند، اما در ادامه خشونت شریک عاطفی، اجبار، تعقیب یا کنترل قهری رخ دهند. این تفکیک برای تحلیل اصلاح ۲۰۲۲ ترکیه مهم است: ماده ۸۲ (۱)(ف) قتل زن را بدون نیاز به اثبات انگیزه جنسیتی تشدید کرده است؛ بنابراین این بند از نظر قانونی گسترده‌تر از مفهوم جرم‌شناختی زن‌کشی است. گزارش مشترک UNODC و Women UN که در سال ۲۰۲۵ با داده‌های سال ۲۰۲٤ منتشر شده است، برآورد می‌کند نزدیک به ۵۰ هزار زن و دختر در سال ۲۰۲٤ به دست شریک عاطفی یا دیگر اعضای خانواده کشته شده‌اند؛ این رقم حدود ٦۰ درصد از نزدیک به ۸۳ هزار قتل عمدی زنان و دختران در آن سال و به‌طور متوسط ۱۳۷ قربانی در هر روز را تشکیل می‌دهد (UN & UNODC Women, ۲۰۲۵). خود گزارش تأکید می‌کند که کاهش عدد برآوردی نسبت به سال قبل لزوماً بیانگر کاهش واقعی نیست و تا حد زیادی از تفاوت در دسترس‌بودن داده‌های کشورها ناشی می‌شود. این آمار به‌خودی‌خود درباره ایران یا ترکیه نتیجه خاصی اثبات نمی‌کند، اما نشان می‌دهد قتل در خانواده غالباً نقطه پایانی یک وضعیت پیشین از خشونت، تهدید و کنترل است. سیاست کیفری نباید فقط واکنش پس از قتل باشد.

## ۲ ـ ۲. عدالت خصوصی، تحریک و کارکرد بیانی قانون

مسئله قتل در فراش صرفاً درباره شدت مجازات نیست؛ درباره مرز عدالت عمومی و خصوصی است. در عدالت عمومی، وقوع جرم، انتساب آن، حق دفاع و مجازات در فرایندی قضایی و تحت نظارت دولت تعیین می‌شود. در عدالت خصوصی، شخص ذی‌نفع هم‌زمان مدعی، قاضی و مجری خشونت است. ماده ٦٣٠ با واژه «می‌تواند» به شوهر اختیار کنش مرگبار می‌دهد، هرچند استفاده موفق از این حکم در دادگاه به اثبات شرایط وابسته است. تفاوت میان مجوز واقعی و اثبات قضایی، خطر خودیاری را از بین نمی‌برد؛ زیرا کنش ابتدا رخ می‌دهد و رسیدگی پس از مرگ دو انسان انجام می‌شود.

تحریک ناعادلانه نیز باید از عدالت خصوصی تفکیک شود. نهاد تحریک، رفتار را مشروع نمی‌کند؛ مسئولیت را به دلیل اثر یک فعل ناعادلانه بر وضعیت روانی مرتکب کاهش می‌دهد. پذیرش آن نیازمند فعل ناعادلانه، رابطه روانی و زمانی، و تناسب در ارزیابی شدت تحریک است. بااین‌حال، در پرونده‌های خشونت علیه زنان، کلیشه‌هایی مانند «ترک شوهر»، «درخواست طلاق»، «رابطه با دیگری» یا «رفتار خلاف انتظار مرد» ممکن است به‌عنوان فعل ناعادلانه بازسازی شوند و خشونت کنترل‌گرانه را به واکنشی قابل فهم تبدیل کنند. این خطر در ماده ٢٩ ترکیه و در گفتمان غیررسمی پیرامون ماده ٦٣٠ ایران مشترک است، هرچند ساختار حقوقی دو نهاد متفاوت است.

قانون افزون بر تنظیم رفتار، کارکرد بیانی دارد؛ یعنی درباره ارزش‌ها، مرزهای قابل تحمل و موقعیت قربانی پیام تولید می‌کند. این ادعا نباید به رابطه علّی اثبات‌نشده میان یک ماده و نرخ قتل فروکاسته شود. بدون پژوهش تجربی نمی‌توان گفت ماده ٦٣٠ به‌طور مستقیم قتل ناموسی ایجاد می‌کند. ادعای قابل دفاع محدودتر است: ادبیات مجوزمحور یک قاعده می‌تواند در جامعه‌ای که خشونت ناموسی وجود دارد، ظرفیت تقویت یا مشروعیت‌بخشی به برداشت ارفاق‌آمیز نسبت به خشونت مردانه را داشته باشد. این تحلیل با نظریه کارکرد بیانی قانون سازگار است، اما نتیجه تجربی قطعی محسوب نمی‌شود (Sunstein,1996,).

از سوی دیگر، پیام تشدید کیفری نیز نباید جای کارایی نهادی را بگیرد. تجربه ترکیه نشان می‌دهد جرم‌انگاری مشدد و مجازات سنگین ممکن است پیام روشنی علیه زن‌کشی داشته باشد، اما اگر دستورهای حمایتی اجرا نشوند، خطر به‌درستی ارزیابی نگردد و مقامات در برابر قصور پاسخگو نباشند، قانون پسینی از قتل جلوگیری نمی‌کند. بنابراین معیار مقایسه این پژوهش دو بعد دارد: زبان و اثر حقوقی قانون پس از قتل، و تکالیف دولت برای پیشگیری از قتل است.

## ۳. حقوق ایران: حکم استثنایی و شبکه قواعد مرتبط

### ۳ ـ ۱. ماده ۶۳۰ و ماهیت حقوقی آن

ماده ٦٣٠ در بخش تعزیرات ۱۳۷۵ و در مجاورت مقررات دفاع مشروع قرار گرفته، اما ماهیت آن با دفاع مشروع یکسان نیست. اگر زن در معرض زنای اکراهی باشد، مداخله برای دفع تعرض می‌تواند حسب شرایط در چارچوب دفاع از نفس یا عرض تحلیل شود؛ دفاع مشروع مستلزم ضرورت، فعلیت تجاوز و رعایت مراتب است. ولی در فرض رضایت زن، خطر نامشروع علیه شوهر به معنای دفاع مشروع وجود ندارد و کشتن زن یا مرد اجنبی نیز اجرای عادی حد توسط شهروند نیست. بنابراین توجیه ماده با دفاع مشروع یا اجرای حد، از نظر ساختار حقوق کیفری با دشواری جدی روبه‌روست.

در ادبیات حقوقی، درباره ماهیت ماده چند برداشت مطرح شده است: عامل موجهه استثنایی، معافیت قانونی، سقوط قصاص و دیه، یا قاعده‌ای مرکب از حکم واقعی و قاعده اثبات. متن ماده به جواز رفتار نزدیک است؛ بند «ث» ماده ۳۰۲ نتیجه را به عدم قصاص و دیه پیوند می‌دهد؛ و ماده ۳۰۳ بار اثبات و اشتباه را تنظیم می‌کند. ترکیب این سه مقرره نشان می‌دهد قانونگذار فقط تخفیف مجازات برای خشم آنی وضع نکرده، بلکه در صورت تحقق و اثبات شرایط، قربانیان را نسبت به شوهر در وضعیت خاصی خارج از حمایت قصاص و دیه قرار داده است. از این حیث، حکم از یک عذر شخصی فراتر می‌رود و به موجه‌سازی یا رفع ضمان نزدیک می‌شود. شرایط حکم باید به‌صورت سخت‌گیرانه احراز شوند: زوجیت در زمان واقعه، مشاهده مستقیم شخص شوهر، تحقق زنا به معنای قانونی، هم‌زمانی واکنش با مشاهده، علم به رضایت زن و نبود اکراه یا اضطرار. «همان حال» فقط فوریت روانی نیست؛ قیدی موضوعی است که برنامه‌ریزی، تعقیب، احضار بستگان یا اقدام پس از فاصله زمانی را از قلمرو ماده خارج می‌کند. علم به تمکین نیز با ظن، سکوت یا ظاهر صحنه برابر نیست. اگر درباره رضایت زن تردید باشد، قتل او نمی‌تواند تحت ماده قرار گیرد.

قانون درباره اکراه یا اضطرار مرد اجنبی صراحت مشابهی ندارد، در حالی که بند «ث» ماده ۳۰۲ به «غیر موارد اکراه و اضطرار» اشاره می‌کند. این ناهمخوانی از ایرادهای قانون‌نویسی ماده ٦٣٠ است. همچنین حکم ضرب و جرح مانند قتل بیان شده، بی‌آنکه نسبت آن با تناسب، قصد و میزان آسیب روشن شود. این ابهام‌ها تأیید می‌کنند که ماده از منظر قطعیت، ضرورت و تناسب قوانین کیفری نیازمند بازنگری است.

ماده ٦٣٠ به زن حق متقابلی در فرض مشاهده زنای شوهر نمی‌دهد. این عدم تقارن صرفاً تفاوت فنی نیست؛ قانون در مورد نقض وفاداری جنسی، اختیار مرگبار را فقط برای شوهر شناسایی کرده است. حتی اگر مبنای فقهی خاص پذیرفته شود، از منظر سیاست کیفری امروز باید پرسید چرا واکنش به نقض وفاداری باید خارج از فرایند قضایی و به‌صورت نامتقارن به یکی از زوجین سپرده شود؟

## ۳ ـ ۲. مواد ۳۰۲ و ۳۰۳: سقوط قصاص، اثبات و اشتباه

بند «ث» ماده ۳۰۲ زانی و زانیه در حال زنا را نسبت به شوهر زانیه، در غیر موارد اکراه و اضطرار و «به شرحی که در قانون مقرر است»، از حمایت قصاص و دیه خارج می‌کند. عبارت اخیر، رابطه بند با ماده ٦۳۰ را تقویت می‌کند و مانع از آن است که بند «ث» به‌طور مستقل و بدون قیود ماده ٦۳۰ اجرا شود. بنابراین هر قتل مبتنی بر سوءظن، شایعه، پیامک، عکس، رابطه عاطفی یا ادعای حیثیتی خارج از قلمرو بند است. ماده ۳۰۳ حلقه اثباتی بحث است. مرتکب باید ادعای مشمول‌بودن مقتول در ماده ۳۰۲ یا اعتقاد خود به چنین وضعیتی را در دادگاه ثابت کند و دادگاه مکلف است نخست به این ادعا رسیدگی نماید. اگر نه وضعیت واقعی و نه اعتقاد مرتکب ثابت شود، قصاص برقرار است.

اگر اعتقاد اشتباه اثبات شود، مرتکب قصاص نمی‌شود، اما دیه و مجازات تعزیری اعمال می‌شود. در نتیجه، صرف ادعای «ناموس» یا حتی ادعای مشاهده زنا هیچ امتیاز خودکاری ایجاد نمی‌کند. بااین‌حال، ماده ۳۰۳ یک چالش مهم دارد. معیار و ادله اثبات «اعتقاد» مرتکب می‌تواند تحت تأثیر کلیشه‌های ناموسی قرار گیرد. اگر دادگاه از سابقه اختلاف، پیام‌های تلفن یا شنیده‌های خانوادگی به‌سرعت نتیجه بگیرد مرتکب واقعاً معتقد به مهدورالدم‌بودن قربانی بوده است، خطای فردی به راه فرار از قصاص تبدیل می‌شود. لازم است میان اشتباه واقعی درباره یک وضعیت عینیِ فوری و سوءظن یا ارزش‌داوری ناموسی تفکیک شود.

اصل احتیاط در دماء و استثنایی‌بودن ماده ۳۰۲ اقتضا می‌کند که ادعای وضعیت واقعی با ادله قابل اتکای مستقل و نه صرف اظهارات قاتل احراز شود. درباره اعتقاد اشتباه نیز دادگاه باید منشأ اطلاعات، زمان شکل‌گیری اعتقاد، رفتار پیش از قتل، برنامه‌ریزی، تلاش برای تحقیق، وجود انگیزه انتقام و امکان مراجعه به مقام عمومی را بررسی کند. هرچه قتل برنامه‌ریزی‌شده‌تر و مبتنی بر تصمیم خانواده باشد، پذیرش اشتباه فوری دشوارتر است. از حیث اثر کیفری، ماده ۳۰۳ در صورت اشتباه به دیه و تعزیر ارجاع می‌دهد، اما مجازات تعزیری قتل عمد در موارد عدم قصاص تحت ماده ٦۱۲ به تحقق اخلال در نظم یا بیم تجری وابسته و بین سه تا ده سال است. این سطح مجازات در قتل برنامه‌ریزی‌شده جنسیت‌محور ممکن است با شدت تقصیر و آسیب اجتماعی تناسب نداشته باشد. همین خلأ یکی از نقاط اصلی اصلاح تقنینی است.

## ۳ ـ ۳. قتل‌های موسوم به ناموسی خارج از فراش: مواد ۳۰۱ و ٦۱۲

بخش بزرگی از قتل‌های موسوم به ناموسی هیچ ارتباطی با ماده ٦۳۰ ندارند. قتل دختر به دست پدر یا جد پدری، قتل خواهر به دست برادر، قتل زن مطلقه به دست همسر سابق، یا قتل به تصمیم جمعی خانواده، بر پایه قواعد عمومی قتل عمد تحلیل می‌شوند. بااین‌حال، در نخستین دسته، ماده ۳۰۱ مانع قصاص پدر یا جد پدری است. بنابراین در پرونده‌ای که پدر، دختر خود را با انگیزه ناموسی می‌کشد، خلأ کیفری نه از ماده ٦۳۰، بلکه از ترکیب ماده ۳۰۱ و مجازات تعزیری ماده ٦۱۲ ناشی می‌شود.

ماده ٦١٢ در صورت فقدان شاکی، گذشت از قصاص یا عدم اجرای قصاص به هر علت، تنها زمانی حبس سه تا ده سال را مقرر می‌کند که «رفتار موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری» باشد. قتل ناموسی برنامه‌ریزی‌شده معمولاً ظرفیت احراز این شروط را دارد؛ بااین‌حال، قانون حداقل و حداکثری پیش‌بینی کرده که تفاوت کافی میان قتل معمولیِ فاقد قصاص و قتل مبتنی بر کنترل جنسیتی، تصمیم خانوادگی یا سابقه خشونت ایجاد نمی‌کند. افزون بر آن، در خانواده‌ای که مرتکب و صاحبان حق قصاص نزدیک‌اند، امکان گذشت و کاهش پاسخ کیفری بالاست. در نتیجه، سیاست اصلاحی باید از تمرکز انحصاری بر ماده ٦٣٠ فاصله بگیرد. حذف ماده ٦٣٠ بدون اصلاح وضعیت پدر موضوع ماده ٣٠١ و بدون تشدید تعزیر در موارد گذشت یا عدم قصاص، بخش مهمی از مسئله را لاینحل می‌گذارد. از سوی دیگر، تشدید تعزیر نباید به توسعه نامحدود کیفر یا حذف همه اختیارات قضایی منجر شود.

## ۴. مبانی فقهی و حدود اثبات قضایی

### ۴ ـ ۱. حکم واقعی و حکم ظاهری

در منابع مشهور فقه امامیه، مسئله یافتن مردی در حال زنا با همسر، با تفکیک میان حکم واقعی و داوری قضایی مطرح شده است. محقق حلی در شرایع‌الاسلام می‌نویسد: «اگر شوهر مردی را در حال زنا با همسرش بیابد، می‌تواند هر دو را بکشد و گناهی بر او نیست، اما در ظاهر مستحق قصاص است مگر بینه اقامه کند یا ولی دم او را تصدیق نماید». همین دوگانگی در تحریرالوسیله نیز دیده می‌شود، جواز واقعی با علم به رضایت زن از یک سو، و حکم قاضی بر اساس موازین اثبات و قصاص در صورت فقدان دلیل از سوی دیگر (محقق حلی، ١٤٠٨ ق، ج ٤ :١٤٥ ـ ١٤٦؛ امام خمینی، ١٤٢١ ق، ج ٢، کتاب الدفاع، مسائل ٢٨ و ٢٩). این تفکیک اهمیت بنیادین دارد. در فقه، جواز بین شخص و خداوند به معنای پذیرش بی‌قید ادعا در محکمه نیست. اصل قضایی، حمایت از خون مقتول و مطالبه دلیل از قاتل است. نقل منسوب به امیرالمؤمنین (ع) نیز در آثار فقهی با این مضمون آمده که مدعی مشاهده زنا، در صورت نیاوردن بینه، با قصاص روبه‌رو می‌شود. هر چند تصریح شده است ادعا جز با بینه یا تصدیق ولی پذیرفته نمی‌شود. (شیخ کلینی، ١٣٩١،١٨٥؛ شیخ طوسی، ١٣٦٤، ٩؛ شهید ثانی، ١٤١١، ١٢٢–١٢٠) این ادبیات از حیث سیاست تقنینی بازدارنده‌تر از جمله می‌تواند ... به قتل برساند» در ماده ٦٣٠ است. در میان فقها درباره دامنه حکم و مستندات آن یکدستی کامل وجود ندارد. برخی حکم را به محصن‌بودن مرتبط کرده‌اند و برخی اطلاق را پذیرفته‌اند؛ درباره تعداد شهود، نسبت حکم با اجرای حد و دلیل روایی نیز بحث شده است. (حرّ عاملی،١٤١٤؛ حلی،١٤١٣، خمینی، ١٤٠٣، طوسی،١٣٩٠) همین اختلاف‌ها نشان می‌دهد تبدیل یک مسئله فقهیِ دارای دو سطح واقعی و قضایی به مجوز کوتاه و عام‌فهم قانونی، بدون درج قاعده اثبات و اصل قصاص، خطر سوءبرداشت دارد.

اصل احتیاط در دماء نه فقط مانع توسعه حکم به قتل‌های ناموسی است، بلکه در مقام قانون‌گذاری اقتضا می‌کند ساختار ماده به‌جای اعلام اختیار قتل، از ممنوعیت خودیاری آغاز شود و فقط آثار ادعای خاص را در دادگاه تنظیم کند. اگر قانونگذار بخواهد از مبنای فقهی فاصله نگیرد، حداقل باید ادبیات فقهیِ «در ظاهر قصاص مگر اثبات» را جایگزین زبان مجوزمحور کند.

## ۴ ـ ۲. نقد تقنینی از منظر حق حیات و انحصار اعمال کیفر

نقد ماده ٦٣٠ لزوماً نفی یا داوری کلی درباره فقه نیست. پرسش تقنینی این است که آیا هر حکم واقعی فقهی باید با همان زبان در قانون کیفری عمومی وارد شود، به‌ویژه وقتی اجرای آن پیش از رسیدگی قضایی به مرگ قطعی دو نفر منجر می‌شود. قانون کیفری فقط ثبت فتوا نیست؛ باید امکان سوءاستفاده، قواعد اثبات، اصل قانونی‌بودن، تناسب، برابری و کارکرد پیشگیرانه را نیز لحاظ کند. در ساختار دولت مدرن، حتی اجرای مجازات‌های قانونی در صلاحیت مقام عمومی است. ماده ۳۰۲ نیز در بندهای مربوط به جرائم حدی و قصاص، اقدام بدون اجازه دادگاه را جرم شناخته، اما درباره بند «ث» چنین تبصره‌ای ندارد. این تفاوت، اختیار شوهر را از سایر اشخاصی که مدعی استحقاق مجازات مقتول‌اند متمایز می‌کند. از منظر سیاست کیفری، توجیه این استثنا دشوار است؛ زیرا احتمال خطا، صحنه‌سازی و انتقام در آن کمتر از سایر ادعاها نیست. حق حیات و اصل ٣٦ قانون اساسی درباره حکم و اجرای مجازات از طریق دادگاه صالح، مبنای مهمی برای بازنگری‌اند. حتی اگر رفتار قربانی جرم باشد، اثبات جرم و اجرای واکنش کیفری نباید به شخص ذی‌نفع واگذار شود. زنا نیز در نظام حقوقی دارای ادله و تشریفات سخت‌گیرانه است؛ پذیرفتن کنش مرگبار شوهر بر پایه مشاهده شخصی، با منطق احتیاط اثباتی جرم زنا تنش آشکار دارد.

## ۵. حقوق ترکیه: تشدید تقنینی و تنش در تخفیف قضایی

## ۵ ـ ۱. مواد ۸۱ و ۸۲ و اصلاح سال ۲۰۲۲

قانون کیفری ترکیه شماره ۵۲۳۷ (TCK)، قتل عمد را در ماده ۸۱ با حبس ابد و موارد مشدد ماده ۸۲ را با حبس ابد مشدد (ıcezas hapis ebbetüm ışlmırıtşrlağıa) پاسخ می‌دهد. بند «ک» ماده ۸۲، ارتکاب قتل با saiki reöt را از کیفیات مشدد می‌داند. در این بافت، reöt به عرف، سنت یا الزام هنجاری جمعی ادعایی اشاره دارد و saiki به معنای انگیزه است؛ بنابراین saiki reöt را می‌توان «انگیزه مبتنی بر عرف/سنت یا الزام هنجاری جمعی» ترجمه کرد. این مفهوم با هر برداشت شخصی از namus (ناموس/حیثیت جنسی ـ خانوادگی) یکسان نیست و توسعه آن به همه قتل‌های موسوم به ناموسی با اصل قانونی‌بودن سازگار نخواهد بود (No TCK. ٥٢٣٧ ,arts .٨١–٨٢; C.T .Adalet Bakanlığı, Mevzuat UYAP ,imşeri: ١٠ ustosğA ٢٠٢٦).

قانون شماره ۷٤۰٦ مصوب ۱۲ مه ۲۰۲۲ که در ۲۷ مه همان سال در روزنامه رسمی منتشر شد، در ماده ۲ خود بند «ف» ماده ۸۲ TCK را از «علیه زنی که بارداری او معلوم است» به «علیه زن» (şıkar naıkad) تغییر داد. در نتیجه، در متن جاری حقوق ترکیه، هر قتل عمدی که قربانی آن زن باشد، بدون نیاز به اثبات انگیزه عرفی، ناموسی یا جنسیت‌محور، مشمول قتل مشدد است (No Kanun. ۷٤۰٦, art. ۲). این اصلاح پیام حمایتی روشنی دارد و دشواری اثبات انگیزه را کاهش می‌دهد؛ بااین‌حال، از حیث نظری میان زن‌کشی جنسیت‌محور و قتل زنی که جنسیت او هیچ نقشی در علت جرم ندارد تفکیک نمی‌کند. در ادبیات جدید نیز همین انتخاب تقنینی از منظر برابری، تناسب و مبنای تشدید نقد شده است (lıdıK, ۲۰۲۵).

همان قانون در ماده ۱، ماده ٦۲ TCK درباره ( takdiri indirim تخفیف اختیاری/تقدیری قضایی) را نیز اصلاح کرد تا رفتارهای صرفاً نمایشی متهم با هدف تأثیرگذاری بر دادگاه، به‌تنهایی دلیل تخفیف تلقی نشود و جهات تخفیف در رأی به‌طور مستدل ذکر گردد. (Kanun No. 7406, art. 1; TCK No. 5237, art. 62)این جهت‌گیری در اسناد تقنینی نیز صریح و شفاف است. خلاصه رسمی پیشنهاد قانون شماره 2/4290محدودکردن takdiri indirim و کنارگذاشتن رفتارهای صوری برای اثرگذاری بر دادگاه را از اهداف اصلاح اعلام می‌کند و در مذاکرات رسمی مجلس نیز از پایان‌دادن به آنچه در افکار عمومی kravat indirimi ( )تخفیف موسوم به «کراوات»نامیده می‌شد سخن گفته شده است (TBMM, Kanun Teklifi Esas No. 2/4290, 2022; TBMM Genel Kurul Tutanakları, 11 Mayıs 2022).

بااین‌حال، اصلاح ماده ٦۲ نهاد haksız tahrik (تحریک ناعادلانه) موضوع ماده ۲۹ را حذف یا محدود نکرده است. از نظر مقایسه، بند «ف» ماده ۸۲ ترکیه معادل مستقیمی در حقوق ایران ندارد. در ایران، قتل عمد زن اصولاً مانند قتل مرد تابع قصاص است، ولی تفاوت دیه و ساختار استیفای قصاص ممکن است آثار دیگری ایجاد کند. پیشنهاد تقلید مستقیم از ترکیه نیز کافی نیست؛ زیرا در مواردی که قصاص اجرا می‌شود، افزودن کیفیت مشدد معنای عملی محدودی دارد. اهمیت تجربه ترکیه برای ایران بیشتر در طراحی تعزیر مشدد در موارد عدم قصاص و در پیام صریح نفی انگیزه ناموسی است.

## ۵ ـ ۲. تمایز انگیزه عرفی و انگیزه ناموسی در رویه

هیأت عمومی کیفری دیوان عالی ترکیه[1] در آرای مهم خود تأکید کرده است که reöt (عرف/سنت) و namus (ناموس/حیثیت جنسی ـ خانوادگی) مفاهیمی نزدیک اما یکسان نیستند. در پرونده ۱/۲۰۱۱.E–۱۳۸, ۱۳۰/۲۰۱۱.K و سپس ۱/۲۰۱۲.E–۷٦, ۲۵۸/۲۰۱۲.K، هیأت عمومی نتیجه گرفت قانونگذار آگاهانه عبارت saiki reöt را انتخاب کرده و هر قتلی که در زبان اجتماعی «ناموسی» نامیده می‌شود.



[1] Yargıtay Ceza Genel Kurulu

البته نباید از طریق تفسیر موسع مشمول بند ۸۲ (۱)(ک) شود. saiki reöt معمولاً به هنجار جمعی، فشار اجتماعی یا تلقی مرتکب از الزام یک رسم مربوط است، در حالی که انگیزه ناموسی [1]می‌تواند شخصی و ناشی از حس مالکیت، وفاداری زوجین یا کنترل جنسی باشد (CGK tayıYarg, E.۲۰۱۱/۱-۱۳۸, K.۱۳۰/۲۰۱۱; E.۲۰۱۲/۱-۷۶, K.۲۵۸/۲۰۱۲; anğDo, ۲۰۱۶).

این تفکیک از اصل قانونی‌بودن حمایت می‌کند، ولی نتیجه‌ای دوگانه دارد. از یک سو، مانع توسعه کیفری بند مشدد است. از سوی دیگر، قتل‌هایی که به برداشت شخصی شوهر از وفاداری زن یا رابطه عاطفی او مربوط‌اند ممکن است از عنوان انگیزه عرفی خارج شوند و زمینه اعمال ماده ۲۹ را پیدا کنند. برخی آرای قدیمی‌تر دیوان عالی حتی رابطه جنسی رضایتمندانه زن متأهل را، به دلیل نقض تکلیف وفاداری مدنی، فعل ناعادلانه‌ای دانسته‌اند که می‌تواند نسبت به شوهر تحریک ایجاد کند. این دیدگاه از منظر برابری و منع مالکیت‌انگاری بر بدن زن با نقد جدی روبه‌روست. رویه یکدست نیست. در برخی پرونده‌ها، دیوان عالی بر ضرورت اثبات مستقل انگیزه عرفی/سنتی و نبود شرایط تحریک تأکید کرده و تصمیم جمعی خانواده را شرط لازم ندانسته است؛ در برخی دیگر، نبود دلیل کافی بر وجود هنجار یا فشار عرفی به خروج پرونده از بند مشدد انجامیده است. مطالعه حقوقی[2] بر آرای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ نیز نشان می‌دهد مفهوم töre در عمل مرزهایی دشوار و گاه متغیر دارد. (Doğan, 2016) بنابراین، ترکیه با افزودن عنوان قانونی، مسئله تعریف و اثبات انگیزه را کاملاً حل نکرده است.

اصلاح ۲۰۲۲ بخشی از این دشواری را دور می‌زند؛ زیرا زن‌بودن قربانی به‌تنهایی قتل را مشدد می‌کند. اما این امر به معنای بی‌اهمیت‌شدن انگیزه عرفی نیست. وجود انگیزه عرفی می‌تواند نحوه برنامه‌ریزی، مشارکت خانواده و ارزیابی مسئولیت معاونان و آمران را روشن کند و در تحلیل اجتماعی جرم اهمیت داشته باشد.

رویه پس از اصلاح ۲۰۲۲ نیز برای تعیین حدود بند «ف» اهمیت دارد .شعبه اول کیفری دیوان تمیز [3]در رأی E.2023/4237, K.2024/919, T.13.02.2024، در پرونده تلاش برای قتل همسر، عدم اعمال haksız tahrikرا به این دلیل که نخستین رفتار ناعادلانه از خود متهم آغاز شده و رفتار ناعادلانه‌ای از سوی بزه‌دیده احراز نشده بود تأیید کرد. در عین حال، چون رفتار مجرمانه پیش از لازم‌الاجراشدن اصلاح ۲۷ مه ۲۰۲۲ واقع شده بود، اعمال بند جدید ۸۲ (۱)(ف) را به سبب منع عطف‌به ماسبق قانون کیفری شدیدتر نادرست دانست و آن را از حکم حذف کرد. (Yargıtay 1. CD, E.2023/4237, K.2024/919)



[1] namus saiki

[2] Recep Doğan

[3] Yargıtay

## ۵ ـ ۳. ماده ۲۹، حمایت پیشینی و مسئولیت دولت

ماده ۲۹ TCK نهاد haksız tahrik (تحریک ناعادلانه) را تنظیم می‌کند و در صورت ارتکاب جرم تحت تأثیر خشم یا رنج شدید ناشی از یک فعل ناعادلانه، امکان کاهش مجازات را فراهم می‌سازد. اثر این نهاد در قتل از نظر عددی چشمگیر است. به موجب متن جاری ماده، اگر مجازات پایه حبس ابد مشدد باشد، مجازات به حبس ۱۸ تا ٢٤ سال و اگر حبس ابد باشد، به حبس ۱۲ تا ۱۸ سال تبدیل می‌شود؛ در سایر مجازات‌ها نیز از یک‌چهارم تا سه‌چهارم مجازات کاهش می‌یابد (TCK No. 5237, art. 29; T.C. Adalet Bakanlığı, UYAP Mevzuat, erişim: 10 Ağustos 2026). مسئله اصلی در قتل‌های زنان، نه اصل وجود این نهاد عمومی، بلکه تعریف «فعل ناعادلانه» و شیوه احراز رابطه آن با خشم یا رنج شدید است. پژوهش حقوقی Kahraman نشان می‌دهد اختلاف در تشخیص رفتار ناعادلانه، شدت وضعیت عاطفی و تناسب میان تحریک و واکنش می‌تواند به تصمیم‌های نامتوازن و ادراک ارفاق به سود مرتکبان مرد بینجامد (Kahraman, 2024). بنابراین، ترک رابطه، درخواست طلاق، انتخاب پوشش یا رابطه عاطفیِ صرف، فقط به دلیل تعارض با انتظار مردانه یا خانوادگی نباید بدون تحلیل مستقل حقوقی به «فعل ناعادلانه» تبدیل شود. پژوهش اجتماعی ـ حقوقی Eylem Ümit Atılgan بر پرونده‌های زن‌کشی نیز نشان می‌دهد دفاعیات متهمان درباره رفتار، پوشش، رابطه، طلاق یا سخنان زن گاه در فرهنگ حقوقی مردانه به مبنای ارفاق تبدیل می‌شود. او این وضعیت را «مردانگی همدست قضات» توصیف می‌کند و نشان می‌دهد چگونه روایت مرتکب درباره از دست‌دادن کنترل می‌تواند صدای قربانی را پس از مرگ کنار بزند (Ümit Atılgan, 2024: 1497–1523).

این یافته در کنار تحلیل حقوقی Kahramanدلیل کافی برای تعمیم به همه دادگاه‌ها نیست، اما ضرورت محدودکردن کلیشه‌های جنسیتی در تفسیر ماده ۲۹ را تقویت می‌کند. سیاست ترکیه فقط پسینی نیست. قانون شماره ٦٢٨٤ مصوب ۲۰۱۲ سازوکارهای حمایتی و پیشگیرانه، از جمله منع تماس و نزدیک‌شدن، اسکان، حفاظت و تدابیر فوری را پیش‌بینی می‌کند. دادگاه قانون اساسی ترکیه در پرونده A.T. [GK], B. No. ۳۲۹۷۲/۲۰۱۷, ۲۰۲۱/۹/۲۹، قصور مقامات در اجرای مؤثر تدابیر حمایتی و جلوگیری از قتل زنی به دست همسر سابقش را از حیث تعهد دولت به حمایت از حق حیات ناقض قانون اساسی دانست. افزون بر این، وزارت دادگستری در بخشنامه ۲/۱٥٤ مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۳ بر تخصصی‌بودن واحدهای رسیدگی، توجه به سابقه تدابیر حمایتی، تحقیقات و پرونده‌های طلاق و حضانت در ارزیابی خطر، و اطلاع‌رسانی درباره آزادی، مرخصی یا فرار برخی مرتکبان پرخطر تأکید کرده است (No Kanun. ٦٢٨٤; A.T. [GK], B. ).

این تحولات نشان می‌دهند پیشگیری مؤثر به تصمیم قضایی منفرد محدود نیست و به هماهنگی پلیس، دادستانی، دادگاه و خدمات حمایتی نیاز دارد. با وجود این مقررات، گزارش Watch Rights Human در سال ۲۰۲۲ مواردی را مستند کرده است که زنان با وجود برخورداری از تدابیر حمایتی در معرض خشونت مرگبار باقی مانده‌اند و ضعف ارزیابی خطر، کوتاه‌بودن برخی دستورها، اجرای ناکافی ضمانت‌ها و پاسخ‌گویی محدود مقامات از مشکلات گزارش‌شده بوده است (Watch Rights Human, ۲۰۲۲). ترکیه از ۱ ژوئیه ۲۰۲۱ از کنوانسیون استانبول خارج شده و صفحه وضعیت جاری شورای اروپا نیز تصریح می‌کند که از آن تاریخ دیگر دولت عضو کنوانسیون نیست (Europe of Council ,d.n ; accessed ۱۰ August ۲۰۲٦)، هرچند قانون ٦٢٨٤ در حقوق داخلی ترکیه باقی مانده است. این وضعیت فاصله ممکن میان تشدید کیفری پس از قتل و کارایی حمایت پیش از قتل را نشان می‌دهد.

## ۶. تحلیل تطبیقی: از معافیت و تخفیف تا تشدید و پیشگیری

### ۶ ـ ۱. چهار اثر حقوقی هم‌سنخ

مقایسه کارکردی نشان می‌دهد زمینه ناموسی در دو نظام چهار اثر متفاوت دارد. نخست، در حقوق ایران، تحقق شرایط ماده ٦٣٠ و بند «ث» ماده ۳۰۲، قصاص و دیه را حذف می‌کند و متن ماده رفتار را مجاز معرفی می‌نماید. ترکیه چنین استثنای موقعیت‌محوری برای شوهر ندارد؛ قتل همسر یا شریک جنسی او تابع مواد عمومی قتل و کیفیات مشدد است. دوم، اشتباه مرتکب در حقوق ایران به موجب ماده ۳۰۳ می‌تواند قصاص را منتفی و مسئولیت را به دیه و تعزیر تبدیل کند. در ترکیه، اشتباه درباره *استحقاق قتل* به‌عنوان دفاع ناموسی پذیرفته نیست؛ اما باور مرتکب درباره رفتار ناعادلانه قربانی ممکن است در چارچوب ماده ۲۹ بررسی شود. تفاوت مهم این است که ماده ۳۰۳ به وضعیت ادعایی مقتول مربوط است، در حالی که ماده ۲۹ رفتار را نامشروع نمی‌کند و صرفاً اثر روانی فعل ناعادلانه را می‌سنجد.

سوم، تحریک در ترکیه یک نهاد عمومی و قابل کاهش مجازات است. در حقوق ایران، ماده ٦٣٠ از حیث مبنا به تحریک روانی تقلیل‌پذیر نیست؛ شرایط آن به تحقق یک وضعیت عینی و خاص وابسته‌اند. دادگاه ایرانی ممکن است در قتل‌های خارج از ماده ٦٣٠، انگیزه، رفتار قربانی یا وضعیت روانی را در تعزیر لحاظ کند، ولی در قصاص، کیفیات مخففه معمولی جایگزین حق قصاص نیستند. بنابراین مقایسه ماده ٦٣٠ با ماده ۲۹ فقط زمانی معتبر است که تفاوت موجه‌سازی و تخفیف روشن بماند.چهارم، ترکیه قتل با انگیزه عرفی و از ۲۰۲۲ هر قتل علیه زن را مشدد می‌داند. ایران عنوان مشدد مشابهی ندارد و در موارد عدم قصاص، ماده ٦١٢ پاسخ عمومی ارائه می‌کند. پس تفاوت بنیادی نه فقط «معافیت در برابر تشدید»، بلکه وجود یک شبکه حقوقی است که در ترکیه زن‌بودن قربانی را در مرحله تعیین عنوان قتل برجسته می‌کند و در ایران برخی روابط خانوادگی می‌توانند اجرای قصاص را محدود سازند.

## ۶ ـ ۲. پیام قانون و محدودیت الگوی ترکیه

از حیث کارکرد بیانی، ماده ٦٣٠ اعلام می‌کند شوهر در وضعیت خاصی «می‌تواند» بکشد، در حالی که ماده ۸۲ ترکیه قتل علیه زن یا با انگیزه عرفی را شایسته شدیدترین پاسخ قانونی می‌داند. این تفاوت پیام تقنینی واقعی است. اما نتیجه نباید به داوری ساده درباره برتری مطلق یک نظام بینجامد. در ترکیه، ماده ۲۹ امکان ارفاق کلیشه‌ای را حفظ کرده و حمایت پیشینی در عمل با کاستی مواجه است. در ایران نیز اعمال دقیق مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ می‌تواند دامنه ماده ٦٣٠ را بسیار محدود کند، هرچند مشکل متن و مبنای آن باقی می‌ماند. تشدید مطلق قتل علیه زن در ترکیه نیز از منظر اصل تناسب و مبنای تشدید قابل بحث است. قانون ۲۰۲۲ زن‌بودن قربانی را به‌تنهایی برای تحقق کیفیت مشدد کافی می‌داند، حتی اگر جنسیت در انگیزه یا زمینه قتل نقشی نداشته باشد. این راه‌حل دشواری اثبات انگیزه جنسیت‌محور را برطرف و پیام حمایتی قوی ایجاد می‌کند، اما میان زن‌کشی جنسیت‌محور و سایر قتل‌های زنان تفکیک نمی‌گذارد؛ نقدی که در پژوهش جدید Kıdıl نیز با تمرکز بر روش قانون ٧٤٠٦ طرح شده است .(Kıdıl, 2025) ازاین‌رو، حقوق ایران لازم نیست این مدل را عیناً اقتباس کند و می‌تواند در تعزیرات، معیارهای محدودتر و قابل اثباتی مانند انگیزه کنترل جنسیتی، تصمیم یا فشار جمعی خانواده، سابقه خشونت و آسیب‌پذیری قربانی را مبنای تشدید قرار دهد.

درس مهم‌تر ترکیه، پیوند سیاست پسینی و پیشینی است .قانون ٦٢٨٤، رأی .T.A و بخشنامه ٢/١٥٤ وزارت دادگستری نشان می‌دهند دستور حمایت زمانی مؤثر است که خطر به‌موقع شناسایی شود، تصمیم سریع ابلاغ و اجرا گردد، نقض دستور ضمانت اجرای واقعی داشته باشد، آزادی یا فرار مرتکب پرخطر به واحدهای مسئول اطلاع داده شود و میان پلیس، دادستانی، دادگاه و خدمات اجتماعی تبادل اطلاعات برقرار باشد. صرف افزایش حبس پس از قتل، جان قربانی را بازنمی‌گرداند.

## ۷. الگوی اصلاحی برای حقوق ایران

### ۷ ـ ۱. حذف یا بازنویسی بنیادین ماده ۶۳۰ و بند «ث» ماده ۳۰۲

راه‌حل ترجیحی، حذف ماده ٦٣٠ و بند «ث» ماده ۳۰۲ و بازگرداندن همه قتل‌های مرتبط با مشاهده رابطه جنسی به قواعد عمومی قتل، دفاع مشروع و اثبات است. زنا یا خیانت ادعایی باید در مرجع صالح رسیدگی شود و هیچ شهروندی مجوز اجرای واکنش مرگبار نداشته باشد. وضعیت روانی استثنایی مرتکب، در صورت شناسایی قانونی، می‌تواند در تعزیر پس از سقوط قصاص یا در نهادهای عمومی مسئولیت بررسی شود، نه به‌صورت مجوز پیشینی قتل. اگر حذف ماده ٦٣٠ و بند «ث» ماده ۳۰۲ از نظر تقنینی یا فقهی ممکن نباشد، بازنویسی حداقلی باید زبان ماده را از «مجوز اقدام مرگبار» به «قاعده قضایی درباره آثار ادعا» تغییر دهد.

متن باید از ممنوعیت خودیاری و اصل حمایت از حیات آغاز شود و روشن سازد که ادعای مشاهده زنا فقط پس از رسیدگی قضایی و احراز مضیق شرایط ممکن است بر قصاص یا دیه اثر بگذارد. در این صورت، سوءظن، پیام، تصویر، رابطه عاطفی، خروج از منزل، درخواست طلاق یا هر ادعای حیثیتی خارج از موضوع حکم خواهد بود. رابطه ماده ٦٣٠ با ماده ٣٠٣ نیز باید صریح شود. اعتقاد ناموسی یا تصور شخصی درباره «استحقاق مرگ» نباید موضوع ماده ٣٠٣ تلقی شود؛ اشتباه باید ناظر به واقعیت عینی و فوریِ مقرر در قانون باشد. دادگاه در احراز آن باید منشأ اطلاعات، زمان شکل‌گیری اعتقاد، رفتار پیش از قتل، برنامه‌ریزی، سابقه تهدید، فاصله زمانی، مشورت خانوادگی و امکان مراجعه به مقام عمومی را بررسی کند. اظهارات مرتکب به تنهایی برای اثبات اعتقاد کافی نیست و هرچه قتل برنامه‌ریزی‌شده‌تر یا مبتنی بر تصمیم جمعی باشد، پذیرش اشتباه فوری دشوارتر خواهد بود. صورت حداقلی پیشنهادی برای بازنویسی می‌تواند چنین باشد: «اصل بر ممنوعیت قتل و جرح خودسرانه و اعمال قواعد عمومی قصاص و دیه است. ادعای شوهر مبنی بر مشاهده مستقیم زنا فقط در صورتی می‌تواند پس از رسیدگی قضایی بر قصاص یا دیه اثر گذارد که زوجیت، مشاهده مستقیم، هم‌زمانی واقعه و واکنش، تحقق زنا به معنای قانونی، رضایت زن و سایر شرایط مقرر با ادله معتبر احراز شود. سوءظن، پیام، تصویر، رابطه عاطفی، خروج از منزل، درخواست طلاق یا ادعای حیثیتی اثری در این حکم ندارد». این صورت‌بندی، در فرض حفظ مبنای استثنایی، دست‌کم کارکرد مجوزمحور ماده را محدود و محور تصمیم را به دادگاه منتقل می‌کند.

## ۷ ـ ۲. تعزیر مشدد در موارد عدم قصاص و اصلاح خلأ ماده ۳۰۱

پیشنهاد «کیفیت مشدد قتل ناموسی» در نظام قصاص باید دقیق و متناسب با ساختار دوگانه قصاص و تعزیر باشد. وقتی قصاص اجرا می‌شود، افزودن حبس مشدد موضوعیت اصلی ندارد؛ اما در مواردی مانند ماده ٣٠١، گذشت صاحب حق قصاص، فقدان شاکی یا دیگر اسباب عدم استیفای قصاص که ناظر به کاهش تقصیر مرتکب نیستند، تعزیر نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کند. در مقابل، اشتباه واقعی و قابل پذیرش موضوع ماده ٣٠٣ باید جداگانه تحلیل شود؛ زیرا اگر اشتباه واقعاً بر سرزنش‌پذیری اثر گذاشته باشد، تشدید خودکار با اصل شخصی‌بودن مسئولیت سازگار نیست. راه‌حل مناسب، ایجاد عنوان تعزیری خاص برای قتل عمدِ فاقد قصاص با انگیزه اثبات‌شده کنترل جنسیتی یا حیثیتی است. با توجه به درجات ماده ١٩ قانون مجازات اسلامی، حبس تعزیری درجه دو بیش از پانزده تا بیست‌وپنج سال ــ می‌تواند به‌عنوان نقطه شروع تقنینی قابل دفاع باشد (قانون مجازات اسلامی، ١٣٩٢، ماده ١٩). مبنای این انتخاب آن است که موضوع، سلب عمدی حیات در وضعیتی است که عدم استیفای قصاص لزوماً از سرزنش‌پذیری مرتکب نمی‌کاهد و در فرض برنامه‌ریزی، سابقه تهدید، کنترل جنسیتی یا تصمیم جمعی، دامنه سه تا ده سال ماده ٦١٢ ممکن است بازتاب کافی شدت تقصیر نباشد. اینکه عنوان مشدد با عناصر عینی و انگیزه قابل اثبات محدود شود.

تعریف قانونی انگیزه باید محتاطانه باشد تا به مجازات اندیشه یا تفسیر موسع منجر نشود. معیار آن است که دادگاه با ادله قابل مناقشه احراز کند هدف غالب مرتکب، مجازات یا کنترل قربانی به سبب رفتار واقعی یا ادعایی مرتبط با استقلال جنسی، انتخاب همسر، ادامه یا پایان رابطه، طلاق، پوشش، رفت‌وآمد، رابطه عاطفی، یا حفظ و بازگرداندن حیثیت خانوادگی بوده است. صرف خویشاوندی، اختلاف خانوادگی یا زن‌بودن قربانی برای تحقق عنوان کافی نیست و انگیزه باید در رأی با استناد به قرائن مشخص مانند تهدیدهای پیشین، پیام ها، تصمیم جمعی، برنامه‌ریزی و اظهارات مرتبط اثبات شود.

متن پیشنهادی ماده الحاقی می‌تواند به این صورت تنظیم شود: «هرگاه در قتل عمد، قصاص به جهتی که متضمن کاهش سرزنش‌پذیری مرتکب نیست استیفا نشود از جمله در موارد شمول ماده ۳۰۱، گذشت صاحب حق قصاص، فقدان صاحب حق قصاص یا سایر جهات قانونی عدم استیفای قصاص با همین وصف ـ و دادگاه احراز کند هدف غالب مرتکب حفظ یا بازگرداندن حیثیت خانوادگی، کنترل رفتار جنسی یا زناشویی قربانی، مجازات قربانی به سبب انتخاب همسر، جدایی، طلاق، پوشش، رفت‌وآمد یا رابطه عاطفی واقعی یا ادعایی، یا اجرای تصمیم و فشار جمعی خانواده بوده است، مرتکب به حبس تعزیری درجه دو محکوم می شود. صرف جنسیت یا رابطه خویشاوندی برای اعمال این حکم کافی نیست. تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در این جرم اعمال نمی‌شود و در صورت تخفیف، مجازات نباید از درجه سه پایین‌تر آید و دادگاه مکلف به ذکر جهات خاص تخفیف در رأی است.مقررات آزادی مشروط تابع قواعد عمومی خواهد بود. اشتباه واقعی موضوع ماده ۳۰۳، در صورت احراز قانونی، به‌طور مستقل ارزیابی می‌شود و صرف ارزش داوری ناموسی یا تصور استحقاق مرگ، اشتباه موضوع آن ماده محسوب نمی‌شود». این متن پیشنهادی، هم قلمرو تشدید را محدود می‌کند و هم از ارفاق‌های نامرتبط و غیرمستدل جلوگیری می‌نماید. همچنین باید میان مرتکب مستقیم، آمر، محرک و اعضای خانواده تفکیک شود. در قتل‌های جمعی، تصمیم خانواده یا واگذاری اجرا به فرد کم‌سن نباید مسئولیت آمران را پنهان کند. قواعد شرکت و معاونت قابل اعمال‌اند، اما قانون می‌تواند تصمیم جمعی برای ارتکاب قتل جنسیت‌محور را کیفیت مشدد و قرینه معرفی کند.

## ۷ ـ ۳. حمایت پیشینی، داده و فرهنگ قضایی

سیاست جنایی مؤثر باید پیش از قتل فعال شود. ایران به چارچوب قانونی جامع و قابل اجرا برای حمایت در برابر خشونت خانگی و جنسیت‌محور نیاز دارد که صدور فوری دستور منع تماس و نزدیک‌شدن، خروج مرتکب پرخطر از محل مشترک، اسکان امن، حفاظت پلیسی، محرمانگی نشانی، حمایت حقوقی و مالی و رسیدگی سریع به نقض دستور را ممکن سازد. تجربه ترکیه نشان می‌دهد وجود قانون حمایتی به‌تنهایی کافی نیست؛ کیفیت ارزیابی خطر، سرعت ابلاغ، اجرای دستور و پاسخ‌گویی مقام مسئول تعیین‌کننده است.

ارزیابی خطر باید دست‌کم سابقه تهدید به قتل، دسترسی به سلاح، تلاش قربانی برای جدایی، تعقیب و مزاحمت مستمر، خشونت قبلی، تهدید اعضای خانواده، تصمیم جمعی، نقض دستورهای پیشین، تشدید رفتار پس از شکایت و آزادی یا فرار مرتکب پرخطر را در بر گیرد. تهدید ناموسی نباید «اختلاف خصوصی خانوادگی» تلقی شود. امکان ارجاع سریع به تیم چندرشته‌ای و تبادل اطلاعات ضروری میان پلیس، دادستانی، دادگاه، پزشکی قانونی و خدمات اجتماعی باید در قانون و دستورالعمل اجرایی پیش‌بینی شود. داده‌برداری رسمی نیز ضروری است. ثبت قتل صرفاً با عنوان کلی قتل خانوادگی کافی نیست. رابطه مرتکب و قربانی، جنسیت، انگیزه ادعایی، سابقه خشونت، شکایت یا درخواست حمایت قبلی، ماده قانونی اعمال‌شده، گذشت اولیای دم، نتیجه نهایی و نقش اعضای خانواده باید به‌صورت ناشناس و قابل پژوهش منتشر شود. نبود داده، امکان ارزیابی اثر ماده ٦٣٠ یا هر اصلاح بعدی را از بین می‌برد.

آموزش قضات، دادستان‌ها، ضابطان و کارشناسان باید بر تفکیک قتل در فراش از سوءظن ناموسی، محدودیت ماده ۳۰۳، بی‌اعتباری کلیشه‌های جنسیتی و وظیفه حمایت از حق حیات متمرکز باشد. تجربه ترکیه نشان می‌دهد تغییر متن قانون بدون تغییر فرهنگ استدلال قضایی می‌تواند از مسیر تحریک یا تخفیف‌های اختیاری خنثی شود. در نهایت، کارکرد بیانی قانون باید با کارایی واقعی همراه باشد. حذف یا بازنویسی ماده ٦٣٠ پیام نفی عدالت خصوصی را تقویت می‌کند؛ تعزیر مشدد خلأ عدم قصاص را کاهش می‌دهد؛ و نظام حمایت پیشینی احتمال قتل را هدف قرار می‌دهد. هیچ‌یک از این سه ضلع به‌تنهایی کافی نیست.

## نتیجه‌گیری

قتل در فراش، قتل با انگیزه عرفی، قتل مبتنی بر برداشت شخصی از ناموس و قتل جنسیت‌محور زنان مفاهیم مرتبط اما غیرمترادف‌اند. ماده ٦٣٠ ایران فقط یک وضعیت بسیار خاص را تنظیم می‌کند و قابل توسعه به سوءظن، روابط عاطفی یا قتل به دست سایر بستگان نیست. بااین‌حال، برای فهم سیاست کیفری ایران باید این ماده را در کنار بند «ث» ماده ۳۰۲، قاعده اثبات و اشتباه ماده ۳۰۳، استثنای پدر و جد پدری در ماده ۳۰۱ و مجازات تعزیری ماده ٦١٢ دید. تحلیل این شبکه نشان داد حقوق ایران در برخی وضعیت‌ها پیام و اثر ارفاقی ایجاد می‌کند: شوهر در فرض خاص مجوز قانونی می‌یابد؛ اعتقاد اشتباه ممکن است قصاص را حذف کند؛ پدر یا جد پدری قصاص نمی‌شوند؛ و در بسیاری از موارد عدم قصاص، پاسخ تعزیری عمومی و محدود است. تفسیر مضیق ضروری است، اما به‌تنهایی مشکلات ساختاری و بیانی قانون را برطرف نمی‌کند. حقوق ترکیه پس از قانون کیفری ٢٠٠٤ و اصلاح ٢٠٢٢ مسیر تشدید را پیموده است: قتل با saiki reöt (عرف/سنت) و هر قتل عمد علیه زن مشدد است. بااین‌حال، رویه میان reöt و namus (ناموس) تفکیک می‌کند و ماده ۲۹ همچنان امکان تخفیف ناشی از tahrik zıhaks (تحریک ناعادلانه) را دارد.

نوعاً ادبیات جدید نیز هم درباره خطر نابرابری در تفسیر تحریک و هم درباره مبنای تشدید صرفاً بر اساس زن‌بودن قربانی بحث انتقادی دارد (Kahraman, ۲۰۲٤; lıdıK, ۲۰۲۵). قانون ٦٢٨٤، بخشنامه ۲/۱٥٤ و رأی A.T. نیز نشان می‌دهند وظیفه دولت به مجازات پس از قتل محدود نیست. بنابراین، ترکیه تجربه‌ای آموزنده اما نه الگویی قابل تقلید کامل است. پاسخ به پرسش اصلی پژوهش آن است که تجربه ترکیه برای ایران بیش از همه در سه اصل قابل استفاده است: نفی انگیزه ناموسی به‌عنوان مبنای ارفاق خودکار، پیش‌بینی پاسخ شدیدتر برای قتل‌های جنسیت‌محور در مواردی که قصاص اجرا نمی‌شود، و شناسایی تکلیف مثبت دولت به حفاظت پیشینی. انتقال این اصول باید با ساختار قصاص و اصل تناسب در حقوق ایران سازگار شود. پیشنهاد مطلوب، حذف یا بازنویسی بنیادین ماده ٦۳۰ و بند «ث» ماده ۳۰۲، تحدید اثباتی ماده ۳۰۳، ایجاد تعزیر مشددِ تعریف‌شده برای قتل‌های جنسیت‌محور فاقد قصاص ــ به‌ویژه در قلمرو ماده ۳۰۱ و گذشت از قصاص ــ و طراحی نظام جامع ارزیابی خطر و حمایت فوری است.

سیاست جنایی عادلانه نه باید فرهنگ یا فقه را بهانه ساده‌سازی کند و نه خشونت مبتنی بر کنترل جنسیتی را واکنشی قابل فهم به رفتار قربانی بداند. حق حیات، انحصار اعمال کیفر، اصل قانونی‌بودن و برابری ایجاب می‌کنند که «ناموس» از زبان توجیه و تخفیف خارج و به‌عنوان زمینه خطر، انگیزه قابل اثبات یا نشانه‌ای برای فعال‌شدن حمایت پیشینی بررسی شود. قانون زمانی مؤثر است که هم پیام روشنی علیه عدالت خصوصی بدهد، هم پاسخ تعزیریِ موارد عدم قصاص را با شدت تقصیر متناسب کند و هم پیش از آنکه تهدید به قتل تبدیل شود ابزار واقعی حفاظت فراهم سازد.

محدودیت پژوهش آن است که مطالعه حاضر ماهیتی حقوقی ـ هنجاری دارد و درباره نرخ واقعی قتل‌های موسوم به ناموسی، اثر علّی مواد قانونی بر میزان قتل یا فراوانی استفاده دادگاه‌های ترکیه از ماده ۲۹ ادعای آماری نمی‌کند. نمونه آرای ترکیه هدفمند و برای تحلیل کارکرد حقوقی انتخاب شده است، نه برای برآورد کمّی کل رویه. ارزیابی تجربی آثار اصلاحات پیشنهادی در ایران نیازمند دسترسی به داده‌های رسمی، متن دادنامه‌ها و پژوهش میدانی مستقل است.

## ملاحظات اخلاق پژوهش، تعارض منافع و حمایت مالی

ملاحظات اخلاق پژوهش: این مطالعه مبتنی بر تحلیل قوانین، آرای قضایی، منابع فقهی و منابع کتابخانه‌ای است و در آن داده شخصی محرمانه یا مطالعه بر اشخاص به کار نرفته است؛ ازاین‌رو اخذ تأییدیه اخلاق پژوهش موضوعیت ندارد.

تعارض منافع: نویسنده اعلام می‌کند در ارتباط با این پژوهش تعارض منافعی وجود ندارد.

حمایت مالی: این پژوهش بدون حمایت مالی اختصاصی نهاد یا سازمان خاص انجام شده است.

# فهرست منابع و مآخذ

## الف) قوانین، منابع فارسی


- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با بازنگری ۱۳٦۸.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، به‌ویژه مواد ۳۰۱ تا ۳۰۳.
- قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، به‌ویژه مواد ٦۱۲ و ٦۳۰.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱٤۰۰). **حقوق جزای عمومی**. تهران: میزان.
- زراعت، عباس. (۱٤۰۱). **شرح قانون مجازات اسلامی**: قصاص. تهران: ققنوس.
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۹۹). **حقوق کیفری اختصاصی:** جرائم علیه اشخاص. تهران: میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۹). **جرائم علیه اشخاص**. تهران: میزان.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۸۰). قتل در فراش. **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۳٤.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۵). سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ٦۳۰ قانون مجازات اسلامی. **نامه مفید،** سال دوم، شماره ۸.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ رحیمینژاد، اسمعیل؛ و رزمآور بناب، رضا. (۱٤۰۲). سیاستگذاری جنایی تقنینی در آینه جرمشناسی فرهنگی: با رویکردی انتقادی به نمونه هایی از چالش های آن در ایران. **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی**، ۱۱ (۲۱)،
- کرامتی، طوبا؛ رحیمینژاد، اسماعیل؛ گلابی، فاطمه؛ فانی، رضا؛ و هادی، دادیار. (۱٤۰٤). چالش‌های حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان. **پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست**، ۷ (۱)،
- سرخوش، جواد، و علیزاده، زهرا. (۱۳۹٦). قتل در فراش در فقه و حقوق ایران. **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی**.


## ب) منابع فقهی


- اردبیلی، احمد، مقدس اردبیلی. ۱٤۰۳ ـ ۱٤۱٦ ق. **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، بحث «من وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها». قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱٤۱۰ ق.): «**الروضة البهیة فی شرح اللمعةالدمشقیة**»، انتشارات داوری، قم، چ دوم،
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱٤۱٤ ق.) «**وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة**»، (۳۰ جلدی) مؤسسه آل البیت، قم، چ دوم،

- حلی، جمال الدین (١٤١٣ ق.): «**قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ اول،
- حلی، جعفر بن حسن محقق حلی. (١٤٠٨ ق). **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، ج ٤، صص.. چاپ دوم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان خمینی، روحالله. ١٤٢١ ق/١٣٧٩ ش. تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الدفاع، مسائل ٢٨ و ٢٩. چاپ اول. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طوسی، ابو جعفر (١٣٩٠): «**تهذیب الاحکام**»، دار الکتب الاسلامیه، تهران،..
- نجفی، محمدحسن. (١٤٠١ ق) /١٩٨١ م. **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ٤١، چاپ هفتم. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن. ١٣٨٧ ق. **المبسوط فی فقه الامامیهٔ**، ج ٨، تهران: المکتبهٔ المرتضویهٔ لإحیاء الآثار الجعفریهٔ.


## ج) قوانین، منابع ترکی


- Ailenin Korunması ve Kadına Karşı Şiddetin Önlenmesine Dair Kanun No. 6284, Resmî Gazete, 20 March 2012, No. 28239.
- Doğan, R. (2016). Yargıtay kararlarında töre saikiyle öldürme suçu. Türkiye Barolar Birliği Dergisi, 126, 123–166.
- Kahraman, R. (2024). Türk hukukunda haksız tahrikin uygulanmasında eşitsizlik algısı. Ankara Hacı Bayram Veli Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, 28(1), 349–392. https://doi.org/10.34246/ahbvuhfd.1274317
- Kıdıl, F. (2025). Cinsiyet temelli şiddetle mücadelede TCK'nın benimsediği sorunlu bir yöntem: Mağdurun kadın olması nedeniyle ceza artırımı. Akdeniz Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, 15(2), 825–854. https://doi.org/10.54704/akdhfd.1804606
- T.C. Adalet Bakanlığı, UYAP Mevzuat. Türk Ceza Kanunu No. 5237, güncel metin (erişim: 10 Ağustos 2026). https://mevzuat.adalet.gov.tr/mevzuat/103228
- T.C. Adalet Bakanlığı. (2023). 154/2 Sayılı "Aile İçi ve Kadına Karşı Şiddetin Önlenmesi" Genelgesi, 10 Ocak 2023. https://magdur.adalet.gov.tr/Home/SayfaDetay/154-2-sayili-aile-ici-ve-kadina-karsi-siddetin-onlenmesi-genelgesi-yayimlandi
- Türk Ceza Kanunu No. 5237, arts. 29, 62, 81 and 82.
- Türk Ceza Kanunu ve Bazı Kanunlarda Değişiklik Yapılmasına Dair Kanun No. 7406, Resmî Gazete, 27 May 2022, No. 31848; arts.. Official https://cdn.tbmm.gov.tr/KKBSPublicFile/D27/Y5/T2/KanunMetni/36852722-5f1d-4a8a-b5b9-d226f530fbfb.html

- Türkiye Büyük Millet Meclisi (TBMM). (2022). Genel Kurul Tutanakları, 11 Mayıs 2022, 89. Birleşim (TCK m. 62 değişikliği ve kamuoyunda "kravat indirimi" olarak anılan uygulamaya ilişkin görüşmeler).
- Türkiye Büyük Millet Meclisi (TBMM). (2022). Türk Ceza Kanunu ve Bazı Kanunlarda Değişiklik Yapılmasına Dair Kanun Teklifi, Dönem 27, Yasama Yılı 5, Esas No. 2/4290, 16 Mart 2022.
- Türkiye Cumhuriyeti Anayasa Mahkemesi, T.A. Başvurusu, B. No. 2017/32972, 29 September 2021.
- Ümit Atılgan, E. (2024). Complicit masculinity of judges: Unjust provocation mitigation in femicide in Turkey. Oñati Socio-Legal Series, 14(5), 1497–1523. https://doi.org/10.35295/osls.iisl.2086
- Yargıtay 1. Ceza Dairesi, E. 2017/1971, K. 2018/954.
- Yargıtay 1. Ceza Dairesi, E. 2023/4237, K. 2024/919, T. 13.02.2024 (TCK m. 82/1-f'nin zaman bakımından uygulanması ve haksız tahrik).
- Yargıtay Başkanlığı. Yargıtay Karar Arama, erişim 10 Ağustos 2026. https://karararama.yargitay.gov.tr/
- Yargıtay Ceza Genel Kurulu, E. 2012/1-76, K. 2012/258.


## د) منابع بین‌المللی و انگلیسی


- Council of Europe. (2018). GREVIO Baseline Evaluation Report: Turkey. Strasbourg: Council of Europe.
- Council of Europe. (n.d.). Türkiye—Status under the Istanbul Convention. Retrieved August 10, 2026, from https://www.coe.int/en/web/istanbul-convention/turkey
- Grzyb, M. A. (2016). An explanation of honour-related killings of women in Europe through Bourdieu's concept of symbolic violence and masculine domination. Current Sociology, 64(7), 1036–1053. https://doi.org/10.1177/0011392115627479
- Human Rights Watch. (2022). Combatting Domestic Violence in Turkey: The Deadly Impact of Failure to Protect. New York: Human Rights Watch.
- Sunstein, C. R. (1996). On the expressive function of law. University of Pennsylvania Law Review. https://doi.org/10.2307/3312647
- UNODC & UN Women. (2025). Femicides in 2024: Global Estimates of Intimate Partner/Family Member Femicides. Vienna/New York. https://digitallibrary.un.org/record/4102836
- Welchman, L., & Hossain, S. (Eds.). (2005). Honour: Crimes, Paradigms and Violence against Women. London: Zed Books.
- Yurdakul, G., & Korteweg, A. C. (2013). Gender equality and immigrant integration: Honor killings and forced marriages in the Netherlands, Germany, and Britain. Women's Studies International Forum, 41,. https://doi.org/10.1016/j.wsif.2013.07.011